

ORIGINAL ARTICLE

Market Power Dynamics in the Dairy Industry Using Autocratic and Pinning Strategies within the Framework of Game Theory

Habib Shahbazi¹ (ORCID: [0000000210473528](https://orcid.org/0000000210473528))

1. Associate Professor in Agricultural Economics, Agriculture Faculty, Sayyed Jamaledin Asadabadi University, Asadabad, Hamedan, Iran.

Correspondence:
Habib Shahbazi
Email: shahbazi@sjau.ac.ir

Received: 8 Feb 2026
Revised : 20 Mar 2026
Accepted: 9 May 2026

How to cite: Shahbazi, H. (2025). Market Power Dynamics in the Dairy Industry Using Autocratic and Pinning Strategies within the Framework of Game Theory, *Industrial Economics Researches*, 13 (1), 1-17.
(DOI: 10.30473/jier.2026.77346.1530)

ABSTRACT

Iran's dairy industry, characterized by an oligopolistic market structure, has long witnessed complex strategic interactions among major firms that classical and static models fail to fully capture. Accordingly, the main research problem of this study is to investigate the long-term behaviors of firms in response to competitors by employing modern theories in the context of repeated games. The objective of this study is to provide a practical analysis of "Zero-Determinant (ZD)" strategies within the Cournot game framework for six leading brands in the industry, in order to determine how these strategies influence market equilibrium and firm profitability.

The research methodology is based on mathematical modeling and numerical calibration using retail market data from 2023, through which five key market scenarios for milk and cheese were tested. The findings revealed that under the autocratic strategy, the leading firm (Brand 2) managed to increase its milk market profit by 139%, from 414 units at equilibrium to 990 units. In the cheese market, the firm stabilized the equilibrium price 15% above the competitive level (from 160 to 184 units) by managing supply effectively. Furthermore, results from the pinning scenario demonstrated that the firm could fully "lock" its profit at 300 units, such that behavioral fluctuations of competitors had no impact on its long-term returns.

Overall, the study concludes that ZD strategies can disproportionately enhance a firm's market power and make it largely independent of market responses. Therefore, regulatory authorities should identify these advanced behavioral patterns and focus on maintaining competitive conditions and equilibrium stability throughout the dairy supply chain.

KEYWORDS

Market power, Oligopolistic competition, Cournot equilibrium, Theory of Repeated Games, Zero-Determinant strategies, Autocratic strategy

Jel: L11, L13, L66



تبیین پویایی قدرت بازاری در صنعت لبنیات با استفاده از استراتژی‌های اقتدارگرایانه و تثبیت عایدی در چارچوب نظریه بازی‌ها

حبیب شهبازی^۱ (ارکید: ۰۰۰۰۰۰۲۱۰۴۷۳۵۲۸)

۱. دانشیار اقتصاد کشاورزی، دانشکده
کشاورزی، دانشگاه سیدجمال‌الدین
اسدآبادی، اسدآباد، همدان، ایران

نویسنده مسئول:

حبیب شهبازی

رایانامه: shahbazi@sjau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۱۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۲/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۱۹

استناد به این مقاله:

شهبازی، حبیب (۱۴۰۴). تبیین پویایی قدرت بازاری در صنعت لبنیات با استفاده از استراتژی‌های اقتدارگرایانه و تثبیت عایدی در چارچوب نظریه بازی‌ها، دو فصلنامه پژوهش‌های اقتصاد صنعتی، ۹(۳۳)، ۱-۱۷.

(DOI:10.30473/jier.2026.77346.1530)

چکیده

صنعت لبنیات ایران با ساختار انحصار چندجانبه، همواره شاهد تعاملات راهبردی پیچیده‌ای میان بنگاه‌های بزرگ است که مدل‌های کلاسیک و ایستا قادر به تبیین دقیق ابعاد آن نیستند؛ بر این اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر واکاوی رفتارهای بلندمدت بنگاه‌ها در مواجهه با رقبا با بهره‌گیری از نظریات نوین در بستر بازی‌های تکرارشونده است. هدف این مطالعه، تحلیل کاربردی استراتژی‌های «صفر-تعیین‌کننده (ZD)» در قالب بازی کورنو برای شش برند اصلی این صنعت است تا چگونگی اثرگذاری این راهبردها بر تعادل بازار و سودآوری بنگاه‌ها مشخص شود. روش تحقیق مبتنی بر مدل‌سازی ریاضی و کالیبراسیون عددی بر اساس داده‌های بازار خرده‌فروشی در سال ۱۴۰۲ است که طی آن پنج سناریوی کلیدی در بازار شیر و پنیر مورد آزمون قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد که در استراتژی اقتدارگرایانه، بنگاه پیشرو (برند ۲) موفق شد سود خود را در بازار شیر با جهشی ۱۳۹ درصدی از ۴۱۴ واحد در تعادل نش به ۹۹۰ واحد برساند، در حالی که در بازار پنیر، با مدیریت عرضه توانست قیمت تعادلی را ۱۵ درصد بالاتر از سطح رقابتی (از ۱۶۰ به ۱۸۴ واحد) تثبیت کند. همچنین نتایج سناریوی تثبیت عایدی اثبات کرد که بنگاه می‌تواند سود خود را در سطح ۳۰۰ واحد به‌طور کامل «قفل» نماید، به‌طوری که نوسانات رفتاری رقبا هیچ اثری بر عایدی بلندمدت آن نداشته باشد. در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که استراتژی‌های ZD قدرت بازاری بنگاه‌ها را به شکلی ناعادلانه تقویت کرده و آن‌ها را از واکنش‌های بازار مستقل می‌سازد؛ لذا ضروری است نهادهای تنظیم‌گر با شناسایی این الگوهای رفتاری پیشرفته، بر حفظ فضای رقابتی و پایداری تعادل در زنجیره تأمین لبنیات تمرکز کنند.

واژه‌های کلیدی

قدرت بازاری، انحصار چندجانبه، تعادل کورنو، نظریه بازی‌های تکرارشونده، استراتژی‌های صفر-تعیین‌کننده

طبقه‌بندی JEL: L11، L13، L66

۱. مقدمه

صنعت لبنیات به عنوان یکی از ارکان اساسی امنیت غذایی و یکی از بخش های مهم صنایع غذایی، نقش کلیدی در اقتصاد ملی و سلامت جامعه ایفا می کند. این صنعت علاوه بر سهم قابل توجه در اشتغال و ارزش افزوده بخش کشاورزی و صنعت، به دلیل ماهیت مصرفی و روزمره محصولات آن، همواره در کانون توجه سیاست گذاران اقتصادی قرار داشته است. در چنین بازاری، رفتار تولیدکنندگان و نحوه رقابت میان آن ها می تواند پیامدهای گسترده ای بر سطح قیمت ها، دسترسی مصرف کنندگان و پایداری بنگاه ها داشته باشد.

برای تحلیل دقیق تر رفتار بازار و تعاملات راهبردی بنگاه ها در این صنعت، نظریه بازی ها به عنوان یک چارچوب تحلیلی بنیادی مطرح می شود. نظریه بازی ها با مدل سازی تعاملات راهبردی میان بازیگران عقلایی، امکان بررسی تصمیم گیری بنگاه ها در شرایط وابستگی متقابل را فراهم می کند (فون نیومن و همکاران، ۲۰۰۴). در این میان، مدل کورنو^۲ به عنوان یکی از مدل های اساسی در تحلیل رقابت مقدارمحور مطرح است، جایی که بنگاه ها به طور همزمان مقدار تولید خود را انتخاب می کنند و قیمت بازار بر اساس مجموع تولیدات تعیین می شود (کورنو، ۱۸۳۸). در این مدل، رفتار هر بنگاه بر سود خود و سایر رقبا اثر می گذارد و ساختار بازار به طور کلی نتیجه تعاملات استراتژیک بنگاه ها است.

با این حال، تحلیل های کلاسیک کورنو معمولاً بر بازی های ایستا یا تعادل های یک مرحله ای تمرکز دارند، در حالی که در واقعیت، بنگاه ها در طول زمان به طور مکرر با یکدیگر تعامل دارند. در چنین شرایطی، چارچوب بازی های تکرارشونده اهمیت ویژه ای می یابد، زیرا این چارچوب امکان شکل گیری الگوهای رفتاری پایدار، تنبیه یا پاداش دهی متقابل و استفاده از تاریخچه تعاملات را فراهم می کند (فوندنبرگ و ماسکین^۳، ۱۹۸۶). این پویایی زمانی باعث می شود فضا برای ظهور استراتژی های پیچیده تری باز شود که فراتر از واکنش های ساده به قیمت یا مقدار هستند.

در این میان، استراتژی های صفر-تعیین کننده^۴ که نخستین بار در بازی های تکرارشونده معرفی شدند، مفهوم جدیدی را به ادبیات نظریه بازی ها اضافه کرده اند. این استراتژی ها نشان می دهند که یک بازیگر می تواند با انتخاب یک قاعده رفتاری خاص، رابطه ای خطی

میان پیامدهای خود و دیگران برقرار کند و از این طریق بخشی از نتایج بازی را به نفع خود کنترل نماید (پرس و دایسون^۵، ۲۰۱۲). این ویژگی باعث شده است که این استراتژی ها گاه به عنوان استراتژی های اقتدارگرایانه^۶ توصیف شوند، زیرا بنگاه می تواند بدون کنترل مستقیم رفتار رقبا، ساختار سودآوری نسبی را تحت تأثیر قرار دهد.

با وجود گسترش این مفهوم در ادبیات نظری، کاربرد آن در چارچوب رقابت مقدارمحور مانند بازی کورنو و به ویژه در بازارهای واقعی کمتر مورد بررسی تجربی قرار گرفته است. در حالی که بسیاری از صنایع تولیدی - از جمله صنعت لبنیات - دارای ویژگی هایی نظیر تکرار تعاملات، مشاهده پذیری نسبی عملکرد رقبا و حساسیت بالای سود به رفتار دیگران هستند، هنوز مشخص نیست که استراتژی های صفر-تعیین کننده در چنین بسترهایی چه پیامدهایی برای تعادل بازار، توزیع سود و شدت رقابت به همراه دارند. این خلأ نظری و کاربردی ضرورت بررسی نظام مند این استراتژی ها را در یک صنعت واقعی و مهم، مانند صنعت لبنیات ایران، برجسته می سازد.

صنعت لبنیات یکی از ارکان اصلی امنیت غذایی و از بخش های مهم صنایع کشاورزی-غذایی ایران است؛ بخشی که هم در تأمین نیازهای تغذیه ای خانوارها و هم در ایجاد ارزش افزوده و اشتغال نقش دارد (سازمان خواربار و کشاورزی، ۲۰۲۳^۷). با این حال، این صنعت در سال های اخیر با ترکیبی از فشار تقاضا، افزایش هزینه های تولید و تغییرات در ساختار رقابت روبه رو شده است. بر اساس شواهد تغذیه ای و اقتصادی، کاهش قدرت خرید خانوارها در اقتصادهای تورمی معمولاً به افت مصرف کالاهای با کشش درآمدی بالاتر مانند لبنیات منجر می شود (بانک جهانی، ۲۰۲۵^۸). روندی که در ایران نیز مشاهده شده و مصرف سرانه لبنیات به سطحی پایین تر از توصیه های تغذیه ای بین المللی رسیده است (سازمان خواربار و کشاورزی، ۲۰۲۳). این کاهش مصرف، هم پیامدهای سلامت عمومی دارد و هم تقاضای مؤثر بازار را محدود می کند. به عنوان مثال، مطالعه قاسمی و همکاران (۲۰۰۲) نشان داد که بیش از یک سوم خانوارهای ایرانی مصرف کالری یا غذاهای کم ارزش بالاتر از نیاز داشتند و حدود ۲۰ درصد جمعیت کشور با ناامنی غذایی مواجه بودند، که این وضعیت تغییرات سریع رژیم غذایی و فشار بر الگوی مصرف محصولات اساسی مانند لبنیات را نشان می دهد.

^۵Press & Dyson^۶Autocratic^۷Food and Agriculture Organization (FAO)^۸World Bank^۱Von Neumann^۲Cournot^۳Fudenberg & Maskin^۴Zero-Determinant (ZD) Strategies

در سمت عرضه نیز، شواهد تجربی حاکی از آن است که بازار لبنیات ایران کاملاً رقابتی نیست. مطالعه ساختاری شهبازی (۲۰۲۳) با استفاده از رویکرد تابع سود نشان می‌دهد که در سطح خرده‌فروشی، اضافه‌بهای قیمتی^۱ قابل توجهی وجود دارد؛ به‌طوری‌که در بازار شیر، متوسط اضافه‌بهای دریافتی برای برند وابسته به شرکت صنایع شیر ایران حدود ۴/۸ درصد و برای سایر برندها حدود ۳/۹ درصد برآورد شده است. در بازار پنیر نیز این اضافه‌بها در بازه‌ای نزدیک به ۴ درصد قرار دارد. افزون بر این، تفاوت‌های منطقه‌ای معنی‌داری مشاهده شده است؛ به‌گونه‌ای که میزان اضافه‌بها برای برخی محصولات در استان‌های مختلف از حدود ۳ درصد تا ۷ درصد متغیر بوده است، که نشان‌دهنده ناهمگنی فضایی در شدت رقابت است. این نتایج بیانگر وجود درجه‌ای از قدرت بازاری و رقابت ناقص در زنجیره لبنیات است، وضعیتی که از دیدگاه نظری می‌تواند به فاصله پایدار میان قیمت و هزینه نهایی و در نتیجه کاهش رفاه مصرف‌کننده منجر شود (گیسر، ۱۹۸۲).

از منظر اقتصاد صنعتی، چنین بازاری که در آن چند بنگاه بزرگ سهم قابل توجهی دارند و بنگاه‌ها به‌طور مکرر با یکدیگر تعامل می‌کنند، شباهت زیادی به چارچوب بازی‌های تکرارشونده مقدارمحور دارد. در این فضا، رفتار هر بنگاه نه تنها بر سود خود، بلکه بر سود رقبا نیز اثر می‌گذارد و امکان شکل‌گیری روابط پایدار میان پیامدهای بنگاه‌ها وجود دارد. ادبیات جدید نظریه بازی‌ها نشان می‌دهد که در بازی‌های تکرارشونده، استراتژی‌هایی مانند استراتژی‌های صفر-تعیین‌کننده می‌توانند روابط خطی میان سود یک بنگاه و سود رقبا ایجاد کنند و ساختار نتایج بازار را تحت تأثیر قرار دهند (پرس و دایسون، ۲۰۱۲؛ هیلبه^۲ و همکاران، ۲۰۱۳).

با توجه به وجود شواهد تجربی از اضافه‌بها، ناهمگنی منطقه‌ای و تمرکز نسبی بازار در صنعت لبنیات ایران، این پرسش مطرح می‌شود که آیا رفتار بنگاه‌ها را می‌توان در چارچوب بازی‌های تکرارشونده مدل‌سازی کرد و آیا سازوکارهایی مشابه استراتژی‌های ZD می‌توانند به توضیح الگوهای مشاهده‌شده در توزیع سود و شدت رقابت کمک کنند. پاسخ به این پرسش می‌تواند پلی میان شواهد تجربی بازار لبنیات ایران و چارچوب‌های پیشرفته نظریه بازی‌ها برقرار کند و درک دقیق‌تری از پویایی رقابت و پیامدهای رفاهی آن ارائه دهد.

هدف اصلی این تحقیق، تحلیل کاربردی استراتژی‌های صفر-تعیین‌کننده در بازی کورنو برای بازار رقابتی صنعت لبنیات ایران است، به‌گونه‌ای که بتواند هم پیامدهای نظری این نوع استراتژی‌ها را تبیین کند و هم نشان دهد چگونه بنگاه‌ها می‌توانند از این چارچوب برای بهبود موقعیت رقابتی و سودآوری بهره ببرند. اهداف جزئی این پژوهش شامل بررسی مبانی نظری بازی‌های رقابتی و چارچوب بازی کورنو در تعیین مقدار تولید و آثار آن بر قیمت و سود بنگاه‌ها در بازار لبنیات، تحلیل و استخراج استراتژی‌های صفر-تعیین‌کننده — از جمله راهبردهای اقتدارگرایانه، تثبیت عایدی و همبستگی مثبت — در قالب مدل‌های ریاضی کورنو، پیاده‌سازی سناریوهای تحلیلی و مقایسه نتایج مربوط به سودآوری و تعادل بازار برای بنگاه‌های شاخص صنعت لبنیات ایران در یک بازی کورنوی تکرارشونده، و در نهایت ارائه پیشنهادها و سیاستی و راهبردی مبتنی بر یافته‌های پژوهش برای تقویت رقابت سالم و ارتقای کارایی این صنعت با تأکید بر منطق بازی‌های تکرارشونده است.

۲. مبانی نظری

نظریه بازی‌ها یکی از مهم‌ترین شاخه‌های ریاضیات کاربردی است که به تحلیل و مدل‌سازی تعاملات استراتژیک میان تصمیم‌گیرندگان پرداخته و تلاش می‌کند تا پیش‌بینی‌هایی درباره رفتار این بازی‌کنندگان در شرایط مختلف ارائه دهد. این نظریه به‌ویژه در اقتصاد، علوم سیاسی، زیست‌شناسی، و سایر زمینه‌های اجتماعی و انسانی کاربرد دارد (فون نیومن و همکاران، ۱۹۴۴). هدف اصلی در نظریه بازی‌ها بررسی استراتژی‌های مختلف بنگاه‌ها است و نحوه تعامل آنها در موقعیت‌های رقابتی یا همکاری را تجزیه و تحلیل می‌کند. در این راستا، مدل‌های مختلف بازی نظیر بازی کورنو، با توجه به ویژگی‌های خاص خود، به‌ویژه در تحلیل بنگاه‌ها و رقابت‌های بازار، مورد توجه قرار می‌گیرند. استراتژی‌های مهم در نظریه بازی‌ها به ترتیب به شرح ذیل می‌باشد.

استراتژی‌های اقتدارگرایانه: استراتژی‌های اقتدارگرایانه یا ZD نوعی از استراتژی‌ها هستند که در آن بنگاه می‌تواند به‌طور کامل نتیجه بازی را تحت کنترل خود درآورد. این استراتژی‌ها به بنگاه این امکان را می‌دهند که از طریق تصمیمات خود به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به دیگر بنگاه‌ها فشار وارد کند، به‌طوری‌که آنها بدون آگاهی از آنچه در حال وقوع است، در راستای منافع بنگاه اول حرکت کنند (پرس و دایسون، ۲۰۱۲). در مدل‌های ZD، بنگاه‌ها قادر به تنظیم متغیرهای خاص بازی هستند تا به‌طور کامل نتایج بازی‌های تکراری را تحت کنترل خود قرار دهند. این استراتژی‌ها به‌ویژه در بازی‌های تکرارشونده که بنگاه‌ها قادر به تعامل و یادگیری از بازی‌های گذشته هستند، کاربرد دارند.

¹ Markup

^۲Gisser

^۳Hilbe

در پژوهش های اقتصادی ایران، تحلیل ساختار، رفتار و عملکرد بازار یکی از رویکردهای اصلی برای بررسی کارایی بازارها و تعیین درجه رقابت بوده است. این رویکرد تأکید می کند که پیامدهای بازار تنها ناشی از ساختار تمرکز نیست، بلکه رفتار راهبردی بنگاه ها نیز نقش تعیین کننده ای در شکل گیری قیمت، تولید و سود دارد. در همین چارچوب، مطالعات متعددی تلاش کرده اند با استفاده از ابزارهای تجربی، میزان قدرت بازاری و فاصله بازارهای ایران از رقابت کامل را اندازه گیری کنند.

در سطح بنگاه، پیش بهار و همکاران (۲۰۱۸) با بهره گیری از روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP) به اولویت بندی استراتژی های بازاریابی شرکت پگاه آذربایجان شرقی پرداختند. نتایج آن ها نشان داد معیارهایی مانند انطباق با الزامات بهداشتی و زیست محیطی، هماهنگی با فرآیندهای داخلی و مزیت رقابتی در انتخاب استراتژی نقش کلیدی دارند و در نهایت استراتژی تدافعی به عنوان گزینه برتر معرفی شد. این یافته ها بیانگر آن است که تصمیمات بنگاه های لبنی نه در خلأ، بلکه در بستر محدودیت های رقابتی و ساختاری بازار اتخاذ می شود و رفتار بازاری آن ها ماهیتی راهبردی دارد.

در سطح صنعت، پژوهش شهیکی تاش و همکاران (۲۰۱۵) با رویکرد سازمان صنعتی نو^۵ نشان داد که در اغلب صنایع غذایی و آشامیدنی ایران شرایط رقابت ناقص حاکم است و درجاتی از قدرت بازاری و تبانی مشاهده می شود. بسیاری از صنایع به ساختار انحصار چندجانبه نزدیک اند و رفتار بنگاه ها با الگوی رقابت کامل فاصله دارد. این یافته ها نشان می دهد قیمت و مقدار تولید در این صنایع نتیجه تعامل راهبردی میان تعداد محدودی بنگاه است.

در همین راستا، مطالعات مبتنی بر کشش تغییرات حدسی نیز تصویری مشابه ارائه کرده اند. چیدری و همکاران (۲۰۱۸) با استفاده از مدل رقابت ناقص پویا نشان دادند که تولیدکنندگان لبنی در هر دو سطح بازار نهاده (خرید شیر خام) و بازار محصول (فروش فرآورده ها) قادر به اعمال قدرت بازاری هستند. کشش حدسی برآورده شده فاصله معناداری از صفر داشت که نشانه رفتار غیررقابتی است. نتایج این مطالعه که بر داده های دوره ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۲ استوار بود، نشان داد ساختار غیررقابتی می تواند رفاه مصرف کننده را کاهش دهد. پژوهش های دیگر در صنایع منتخب ایران نیز نشان داده اند که تحلیل هم زمان ساختار، رفتار و عملکرد بازار می تواند درک دقیق تری از نحوه سنجش قدرت بازاری ارائه دهد و نقش تصمیمات بنگاه ها را در تعیین پیامدهای بازار آشکار سازد.

استراتژی تثبیت عایدی! استراتژی تثبیت عایدی یکی از استراتژی های مهم در نظریه بازی ها است که در آن یک بنگاه سعی می کند طرف مقابل را در یک موقعیت خاص و ثابت نگه دارد. این استراتژی به گونه ای طراحی شده است که بنگاه طرف مقابل را مجبور می کند تا تنها گزینه های محدودی را انتخاب کند یا تصمیمات خاصی را اتخاذ نماید (هان کارت، ۲۰۲۶). به عبارت دیگر، بنگاه اول در این استراتژی می تواند گزینه های رقابتی را محدود کند و طرف مقابل را در موقعیتی ثابت قرار دهد، به طوری که دیگر بنگاه ها قادر به تغییر آن وضعیت نخواهند بود. این استراتژی در موقعیتهایی که هدف محدود کردن آزادی عمل طرف مقابل است، کاربرد دارد.

استراتژی های با همبستگی مثبت:^۲ در استراتژی های با همبستگی مثبت، رفتار و تصمیمات بنگاه ها به طور مثبت با یکدیگر همبستگی دارند. در این مدل، وقتی یک بنگاه تصمیم به همکاری می گیرد، دیگر بنگاه ها نیز تمایل دارند که به همان شیوه عمل کنند. این استراتژی ها معمولاً در محیط های رقابتی یا بازی های تیمی استفاده می شوند که در آن موفقیت همه اعضای گروه به همکاری مشترک بستگی دارد (فوندنبرگ و ماسکین، ۱۹۸۶). استراتژی های همبستگی مثبت در بازی هایی مانند بازی های تجاری یا همکاری های اقتصادی کاربرد دارند، جایی که بنگاه ها به طور جمعی تصمیماتی را اتخاذ می کنند که بر سود کلی اثر می گذارد.

بازی کورنو و مدل های آن: در این تحقیق، مدل ریاضیاتی بازی کورنو برای تحلیل استراتژی های مختلف در بازار رقابتی بین بنگاه ها مورد استفاده قرار می گیرد. در این مدل، هر بنگاه میزان تولید خود را انتخاب کرده و این انتخاب ها به طور مستقیم بر قیمت و سود بنگاه ها تأثیر می گذارد. در این بخش، به بررسی استراتژی های اقتدارگرایانه و صفر-تعیین کننده پرداخته می شود که در بازی های تکرار شونده و رقابتی همچون بازی کورنو کاربرد دارند. این استراتژی ها به بنگاه ها این امکان را می دهند که با تنظیم تولیدات و سود خود، بازی را به گونه ای هدایت کنند که به حداکثر سود برای خود برسند، بدون اینکه دیگران از آن مطلع شوند.

۳. پیشینه تحقیق

^۲Structure-Conduct-Performance (SCP)

^۵New Empirical Industrial Organization (NEIO)

^۱Pitnning

^۲Hancart

^۳Positively Correlated

در مجموع، ادبیات داخلی وجود رقابت ناقص، قدرت بازاری، ناهمگنی منطقه‌ای و رفتار راهبردی بنگاه‌ها را در صنایع غذایی و لبنی، به‌ویژه صنعت لبنیات، تأیید می‌کند. با این حال، بخش عمده این مطالعات در چارچوب مدل‌های ایستا یا نیمه‌ساختاری انجام شده و رفتار بازار را به‌صورت ضمنی راهبردی در نظر گرفته‌اند، بدون آنکه تعاملات پویا و تکرارشونده میان بنگاه‌ها را به‌صورت صریح مدل‌سازی کنند.

در این نقطه، نظریه بازی‌ها چارچوب تحلیلی مکملی فراهم می‌کند. این نظریه نشان می‌دهد زمانی که تعداد بنگاه‌ها محدود است و تصمیم هر بنگاه بر سود دیگران اثر می‌گذارد، رفتار بازار ماهیتی استراتژیک و وابسته به کنش متقابل پیدا می‌کند. به‌ویژه در محیط‌های تکرارشونده، بنگاه‌ها می‌توانند راهبردهایی اتخاذ کنند که نتایج بلندمدت بازار را شکل دهد. بنابراین، برای تبیین رفتار بازار لبنیات ایران — که در آن قدرت بازاری، وابستگی متقابل سودها و تعامل مکرر بنگاه‌ها مشاهده می‌شود — بهره‌گیری از چارچوب بازی‌های تکرارشونده و تحلیل راهبردهای پویا ضروری به نظر می‌رسد؛ مسیری که پژوهش حاضر در پی دنبال کردن آن است.

نظریه بازی‌ها از زمان شکل‌گیری رسمی آن توسط (فون‌نیومن و همکاران، ۱۹۴۴). به‌عنوان چارچوبی بنیادین برای تحلیل تعاملات استراتژیک میان عاملان عقلایی شناخته شده است. این چارچوب نشان می‌دهد که پیامد تصمیم هر بازیگر به انتخاب‌های دیگران وابسته است و بنابراین رفتار بهینه تنها در بستر تعامل متقابل قابل درک است. در ادامه، شاپلی^۱ (۱۹۵۳) مفهوم بازی‌های تصادفی را مطرح کرد که در آن‌ها وضعیت بازی در طول زمان تغییر می‌کند و تصمیم‌گیری در محیطی پویا و وابسته به گذشته صورت می‌گیرد؛ ایده‌ای که مبنای بسیاری از مدل‌های بازی‌های تکرارشونده شد.

تحلیل رسمی بازی‌های تکرارشونده به‌طور ویژه با کار فودنبرگ و ماسکین (۱۹۸۶) گسترش یافت. آن‌ها با ارائه نسخه‌هایی از قضیه مردمی^۲ نشان دادند که در بازی‌های تکرارشونده با عامل تنزیل یا اطلاعات ناقص، طیف وسیعی از پیامدهای تعادلی می‌تواند پایدار باشد.^۳ این نتیجه اهمیت تاریخچه تعاملات و امکان پاداش یا تنبیه در آینده را برجسته کرد و نشان داد که همکاری یا رفتارهای هماهنگ، حتی در بازی‌هایی با تعارض منافع، می‌تواند به‌صورت

در سطح کلان‌تر، تحلیل‌های ساختار بازار با استفاده از شاخص‌های تمرکز و قدرت انحصاری نیز حاکی از آن است که بسیاری از بازارهای صنعتی ایران از رقابت کامل فاصله دارند و درجاتی از قدرت انحصاری در آن‌ها مشاهده می‌شود. افزون بر این، برخی تحقیقات به بررسی اثر بازار داخلی بر رفتار تجاری صنایع پرداخته‌اند و نشان داده‌اند توسعه تقاضای داخلی می‌تواند عملکرد صنعتی و موقعیت صادراتی را بهبود بخشد، هرچند این مطالعات نیز عمدتاً در چارچوب رقابت ناقص تحلیل شده‌اند.

در صنعت لبنیات، شهبازی (۲۰۲۳) با استفاده از تابع سودمحور و رویکرد تغییرات حدسی، رفتار بازار شیر و پنیر را در سطح خرده‌فروشی بررسی کرد. نتایج نشان داد خرده‌فروشان برای برندهای اصلی لبنی اضافه‌بهای قیمتی معناداری دریافت می‌کنند (حدود ۴ تا ۵ درصد و در برخی استان‌ها تا ۷ درصد) و ناهمگنی منطقه‌ای قابل‌توجهی در شدت قدرت بازاری وجود دارد. همچنین مطالعاتی درباره ساختار رقابت افقی و عمودی در صنعت لبنیات نشان داده‌اند که نه تنها تمرکز تولیدکنندگان، بلکه روابط میان سطوح مختلف زنجیره تأمین نیز می‌تواند بر قدرت قیمت‌گذاری بنگاه‌ها اثرگذار باشد.

از سوی دیگر، مطالعه حاجی‌پور و همکاران (۲۰۱۲) نشان می‌دهد استراتژی‌های محصول-بازار از طریق قابلیت‌های بازاریابی بر عملکرد بازار اثر می‌گذارند. این نتایج نشان می‌دهد رفتار بازار حاصل برهم‌کنش ساختار صنعت و انتخاب‌های راهبردی بنگاه‌هاست.

در راستای این دیدگاه و با هدف گسترش دامنه تحلیل به صنایع کلان و استراتژیک کشور، خداداد کاشی و میکائیلی (۱۴۰۳) در پژوهشی به بررسی رقابت و قدرت انحصاری در صنایع فلزات اساسی، وسایل نقلیه موتوری و محصولات شیمیایی پرداختند. یافته‌های آن‌ها نشان داد که تمرکز بالا و وجود موانع ورود در این بخش‌ها، منجر به افزایش شاخص لرنر و تحمیل هزینه‌های اجتماعی سنگین در بازه زمانی ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۷ شده است که مستقیماً رفاه جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همسو با این نتایج، راسخ جهرمی و ابراهیمی (۱۴۰۳) با تمرکز اختصاصی بر صنعت محصولات شیمیایی و بهره‌گیری از رویکرد لیبشتاین-کومانور، به برآورد ناکارایی X و هزینه‌های رفاهی انحصار در این حوزه پرداختند. نتایج این بررسی حاکی از آن است که زیربخش‌هایی نظیر تولید الیاف مصنوعی با بالاترین سطح ناکارایی X و تولید پلاستیک و لاستیک مصنوعی با بیشترین هزینه‌های رفاهی ناشی از عملکرد غیررقابتی مواجه هستند؛ امری که لزوم اصلاحات ساختاری، بهبود زیرساخت‌های لجستیک و تسهیل دسترسی به منابع مالی را برای ارتقای کارایی در این صنایع کلیدی برجسته می‌سازد.

^۱Shapley

^۲Folk Theorem

^۳ قضیه مردمی بیان می‌کند که در بازی‌های تکرارشونده، اگر بازیگران به آینده اهمیت بدهند، مجموعه بزرگی از نتایج-همکاری یا رفتارهای غیررقابتی-می‌تواند به‌صورت تعادلی پایدار باقی بماند.

دارد. از سوی دیگر، مامیا^۴ و همکاران (۲۰۲۱) شرایط ریاضی لازم برای وجود استراتژی های ZD را به طور نظام مند بررسی کرده و نشان دادند که ساختار فضای استراتژی و پارامترهای بازی نقش تعیین کننده ای در امکان پذیری این راهبردها دارند.

در کنار این ادبیات، مباحث مرتبط با «تثبیت عایدی» یا محدود کردن نتایج حریف نیز در نظریه بازی ها و اقتصاد مطرح بوده است. آثار نظری در اقتصاد راهبردی نشان داده اند که بازیگران می توانند از سازوکارهایی استفاده کنند که دامنه انتخاب های مؤثر طرف مقابل را محدود کرده و پیامدهای او را در یک بازه خاص «قفل» کنند (هان کارت، ۲۰۲۶). این مفهوم از نظر تحلیلی با استراتژی های ZD هم پوشانی دارد، زیرا هر دو به توانایی یک بازیگر در تحمیل ساختار خاصی بر نتایج مشترک اشاره دارند.

در مجموع، ادبیات نظری نشان می دهد که بازی های تکرارشونده بستری فراهم می کنند که در آن نه تنها همکاری، بلکه اشکال پیچیده ای از قدرت استراتژیک و کنترل نتایج نیز ممکن است. استراتژی های ZD، حلقه اتصال میان نظریه کلاسیک بازی های تکرارشونده و تحلیل های جدید قدرت و سلطه در تعاملات راهبردی را تشکیل می دهند و افق های تازه ای برای کاربرد این مفاهیم در حوزه های اقتصادی، اجتماعی و زیستی گشوده اند.

۴. روش تحقیق

در این بخش، مدل ریاضیاتی بازی تکرارشونده کورنو پرداخته و استراتژی های اقتدارگرایانه یا ZD را که در این نوع بازی ها استفاده می شوند، بررسی خواهد شد. این استراتژی ها رابطه ای خطی بین سود بنگاه و میانگین سود دیگر بنگاه ها برقرار می کنند و به ویژه در بازی های تکرارشونده، قابلیت تنظیم و کنترل روابط بین بنگاه ها را فراهم می آورند. در این تحقیق، با استفاده از مدل کورنو، به تحلیل و بررسی این استراتژی ها پرداخته می شود. ابتدا، بازی تک مرحله ای کورنو و سپس بازی های تکرارشونده و استراتژی های مختلف موجود در آن بررسی خواهند شد. هدف از این تحقیق تحلیل چگونگی ایجاد تعادل در چنین بازی هایی با استفاده از استراتژی های مختلف و بررسی آثار آن ها بر سود بنگاه ها است.

۴-۱- مدل ریاضیاتی بازی کورنو

الف) تعریف بازی تک مرحله ای: در این بخش، بازی کورنو با N بنگاه (بنگاه) بررسی می شود. هر بنگاه i میزان تولید x_i خود را از مجموعه $A_i = [0, x_{\max}]$ انتخاب می کند، که در آن $x_{\max}$ حداکثر

درون زا شکل گیرد. آثار کلاسیکی مانند اکسلرود^۱ (۱۹۸۴) نیز با استفاده از شبیه سازی های تورنمنت استراتژیک^۲ نشان دادند که راهبردهای ساده مبتنی بر پاسخ متقابل می توانند در محیط های تکرارشونده به بقای همکاری کمک کنند (بیکر، ۲۰۱۳).

با این حال، پژوهش های جدید نشان دادند که فضای استراتژی ها در بازی های تکرارشونده بسیار غنی تر از آن چیزی است که پیش تر تصور می شد. نقطه عطف در این مسیر، معرفی ZD توسط پرس و دایسون (۲۰۱۲) بود. آن ها در چارچوب بازی معمای زندانی تکرارشونده نشان دادند که یک بازیگر می تواند با انتخاب یک راهبرد شرطی خاص، رابطه ای خطی میان میانگین سود خود و میانگین سود حریف برقرار کند. این نتیجه به این معنی است که یک بازیگر می تواند به طور یک جانبه ساختار توزیع پیامدها را تا حدی کنترل کند، حتی اگر حریف کاملاً عقلایی و تطبیق پذیر باشد. این کشف، درک سنتی از تعادل و قدرت استراتژیک در بازی های تکرارشونده را به طور اساسی گسترش داد.

در ادامه این کار، استوارت و پلاتکین^۳ (۲۰۱۲) و نیز هیلبه و همکاران (۲۰۱۳) نشان دادند که طبقه ای از این استراتژی ها، موسوم به استراتژی های باج گیرانه^۴ می توانند سود بازیگر را با شبیه یی بیش از یک نسبت به سود حریف افزایش دهند؛ به این معنی که هر بهبود در وضعیت حریف به بهبود بیشتری برای بازیگر مسلط منجر می شود. این نتایج بحث های گسترده ای درباره پایداری تکاملی و اخلاقی این نوع رفتارها در تعاملات اجتماعی و اقتصادی برانگیخت.

پژوهش های بعدی تلاش کردند شرایط وجود و پایداری این استراتژی ها را در محیط های پیچیده تر بررسی کنند. هائو^۵ و همکاران (۲۰۱۵) نشان دادند که استراتژی های ZD می توانند در بازی های نویری نیز وجود داشته باشند، هرچند دامنه کاربرد آن ها محدودتر می شود. پان^۶ و همکاران (۲۰۱۵) این چارچوب را به بازی کالای عمومی تکرارشونده تعمیم دادند و نشان دادند که حتی در بازی های چند نفره نیز امکان تحمیل روابط خطی بر پیامدهای گروهی وجود

^۱Axelrod

^۲ شبیه سازی های تورنمنت استراتژیک به آزمایش های کامپیوتری گفته می شود که در آن راهبردهای مختلف در یک بازی تکرارشونده (مثل معمای زندانی) بارها با هم رقابت می کنند تا مشخص شود کدام الگوهای رفتاری در بلندمدت موفق تر و پایدارترند.

^۳ Barker

^۴ Stewart & Plotkin

^۵ Extortionate

^۶ Hao

^۷ Pan

^۴Mamiya

به عبارت دیگر، δ نشان می‌دهد که بنگاه چقدر به سود درازمدت و چقدر به سودهای کوتاه‌مدت توجه می‌کند.

۴-۳- استراتژی‌های اقتدارگرایانه یا صفر-تعیین‌کننده

استراتژی‌های اقتدارگرایانه یا ZD استراتژی‌های شرطی هستند که بر تاریخچه بازی‌ها مبتنی‌اند و رابطه‌ای خطی میان میانگین سود بنگاه j و میانگین سود دیگر بنگاه‌ها برقرار می‌کنند. این استراتژی‌ها اساساً به بنگاه‌ها این امکان را می‌دهند که کنترل‌هایی بر نحوه رفتار سایر بنگاه‌ها اعمال کنند، بدون اینکه نیاز به نظارت مستقیم بر تمامی اقدامات داشته باشند.

استراتژی ثابت نگه داشتن یا تثبیت عایدی: استراتژی ثابت نگه داشتن یا تثبیت عایدی به این معنی است که میانگین سود بنگاه j به یک مقدار ثابت r قفل می‌شود. در این استراتژی، بنگاه j تولید خود را از میان دو مقدار ممکن (مثلاً $x_j = 0$ یا $x_j = x_{\max}$) به‌طور تصادفی انتخاب می‌کند. این انتخاب به‌گونه‌ای تنظیم می‌شود که رابطه خطی بین میانگین سود بنگاه j و میانگین سود دیگر بنگاه‌ها برقرار باشد. بنابراین، سود بنگاه j ثابت می‌ماند:

$$S_j = r \quad (5)$$

شرط وجود استراتژی تثبیت عایدی این است که برای مقدار r در بازه:

$$\left[-cx_{\max}, \frac{(a-c)^2}{4b} \right] \quad (6)$$

می‌توان دو نقطه‌ی تولیدی پیدا کرد که میانگین سود را ثابت نگه می‌دارد. این استراتژی برای اطمینان از ایجاد سود ثابت در طول زمان به کار می‌رود.

استراتژی‌های با همبستگی مثبت: استراتژی‌های با همبستگی مثبت به‌گونه‌ای هستند که سود بنگاه j وابسته به میانگین سود سایر بنگاه‌ها است. به‌طور دقیق، رابطه‌ی سود بنگاه j با میانگین سود دیگر بنگاه‌ها به‌صورت زیر است:

$$S_j = \chi \cdot \frac{1}{N-1} \sum_{k \neq j} S_k + \kappa \quad (7)$$

که در آن χ ضریب همبستگی مثبت است و κ مقدار ثابت است. در این استراتژی، بنگاه j می‌تواند با توجه به رفتار سایر بنگاه‌ها تولید خود را تنظیم کند، به‌طوری که سود خود را به‌صورت خطی با سود دیگر بنگاه‌ها همبسته کند. برای پیاده‌سازی این استراتژی، رابطه زیر برای تابع $B(x)$ حاصل می‌شود:

$$B(x) = (a-c-b \sum_{l=1}^N x_l) x_j - \chi \cdot \frac{1}{N-1} (a-c-b \sum_{l=1}^N x_l) \quad (8)$$

تولید هر بنگاه است. کل تولید در این مدل به‌صورت جمع تولیدات تمام بنگاه‌ها محاسبه می‌شود:

$$X = \sum_{k=1}^N x_k \quad (9)$$

در این مدل، فرض می‌شود که تابع قیمت خطی است، یعنی قیمت کالا به‌صورت زیر وابسته به میزان کل تولید X تعریف می‌شود:

$$P(X) = \max\{a - bX, 0\}, a > c > 0, b > 0 \quad (2)$$

در این معادله، a و b پارامترهایی هستند که نشان‌دهنده محدودیت‌های تقاضا و حساسیت قیمت به تغییرات تولید هستند. علاوه بر این، c هزینه ثابت تولید هر واحد محصول است. سود هر بنگاه در این بازی تک‌مرحله‌ای به‌صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$s_j(x) = (a - b \sum_{k=1}^N x_k) x_j - c x_j \quad (3)$$

که در آن x_j میزان تولید بنگاه j است و c هزینه ثابت تولید است. این تابع سود به‌طور مستقیم به میزان تولید بنگاه j و تولید سایر بنگاه‌ها بستگی دارد، زیرا قیمت بازار به‌طور کلی به مجموع تولیدات بنگاه‌ها بستگی دارد.

ب) سود تک‌مرحله‌ای در نظر گرفته شده برای بازیگران:

سود بنگاه j که به تولید خود و سایر بنگاه‌ها وابسته است، به‌صورت یک تابع از x_j و x_{-j} (اقدامات سایر بازیگران) محاسبه می‌شود. این سود تابعی است که به‌صورت مستقیم نشان‌دهنده تأثیر رفتار سایر بنگاه‌ها بر تصمیم‌گیری بنگاه j در تولید است.

۴-۲- ساختار بازی تکرارشونده

در این تحقیق، بازی به‌صورت تکرارشونده و نامحدود فرض می‌شود. هر بنگاه هدف دارد که میانگین سود بلندمدت خود را به حداکثر برساند. برای این منظور، میانگین سود بلندمدت بنگاه j به‌صورت زیر تعریف می‌شود:

$$S_j := \langle s_j \rangle^* = (1 - \delta) \sum_{t=1}^{\infty} \delta^{t-1} s_j(x(t)) \quad (4)$$

در این معادله، $\delta \in (0, 1)$ عامل تنزیل است که نشان‌دهنده وزن‌دهی کمتر به آینده و افزایش وزن به دستاوردهای فوری است.

اگرچه استراتژی های صفر-تعیین کننده در ابتدا توسط پرس و دایسون (۲۰۱۲) برای محیط های دو نفره معرفی شدند، اما مبانی ریاضیاتی این نظریه پتانسیل بالایی برای تبیین رفتارهای پیچیده در بازارهای انحصار چندجانبه با تعداد N بنگاه دارد. در این پژوهش، جهت انطباق مدل با ساختار بازار لابیات ایران (شامل ۶ برند اصلی)، از رویکرد تعمیم یافته ZD در بازی های عمومی چندنفره استفاده شده است (پان و همکاران، ۲۰۱۵). بر این اساس، فرض می شود که بنگاه پیشرو (بنگاه کانون)، استراتژی شرطی خود را نه بر اساس رفتار تک تک رقبا، بلکه بر مبنای برآیند رفتار کل بازار تنظیم می نماید. در این حالت، رابطه خطی میان سود بلندمدت بنگاه کانون (π_2) و میانگین سود سایر رقبا ($\bar{\pi}$) به صورت زیر بازتعریف می شود (پان و همکاران، ۲۰۱۵):

$$\pi_2 - O = \chi \cdot O \quad (۱۰)$$

در این رابطه، O نشان دهنده نقطه پایه یا سود هدف و χ ضریب کنترل یا شاخص باج گیری است. زمانی که $\chi > 1$ باشد، هرگونه تلاش رقبا برای افزایش سود خود، منجر به افزایش سهم بیشتری از سود برای بنگاه کانون می گردد.

انطباق با فضای پیوسته در بازی کورنو: یکی از چالش های فنی در به کارگیری استراتژی ZD در مدل کورنو، ماهیت پیوسته فضای تصمیم گیری (مقدار تولید) در مقایسه با فضای گسسته (همکاری/خیانت) در معمای زندانی است. برای حل این مسئله، در این مطالعه از روش تنظیم بردار احتمالات تولید بر اساس «تخفیف سود در بازی های تکرار شونده» استفاده شده است. بر این مبنای بنگاه کانون با بهره گیری از یک استراتژی شرطی مبتنی بر حافظه یک مرحله ای^۲، مقادیر تولید خود را به گونه ای در طول زمان تغییر می دهد که دترمینان ماتریس انتقال وضعیت های بازی همواره صفر باقی بماند. این سازوکار ریاضی تضمین می کند که فارغ از اینکه ۵ برند دیگر چه استراتژی تولیدی را در پیش بگیرند، میانگین سود بلندمدت آن ها در قیومیت رابطه خطی تحمیل شده توسط بنگاه کانون باقی خواهد ماند (مامییا و همکاران، ۲۰۲۱). این رویکرد، بنگاه پیشرو را قادر می سازد تا بدون نیاز به تبانی آشکار، ساختار توزیع منافع در کل صنعت لابیات را به نفع خود مهندسی نماید.

۴-۴- داده ها و سناریوها

$$\times \sum_{k \neq j} x_k + (\chi - 1)\kappa$$

این رابطه نشان می دهد که با انتخاب مناسب χ ، κ و ضریب χ ، می توان یک استراتژی ZD مثبت را پیاده سازی کرد. شرط وجود استراتژی مثبت همبسته دونقطه ای به صورت زیر است:

$$0 < \chi < 1 \text{ و } \kappa \leq 0 \text{ یا } \chi = 1 \quad (۹)$$

در یک جمع بندی می توان گفت سود تک مرحله ای نشان دهنده سود یک بنگاه در یک مرحله خاص است که به انتخاب های سایر بنگاه ها بستگی دارد. میانگین سود بلندمدت به سود میانگین در طول زمان اشاره دارد که به در نظر گرفتن یک عامل تخفیف (δ) برای محاسبه سودهای آینده به دست می آید. در استراتژی اقتدارگرایانه، بنگاه قادر است تا به طور کامل نتایج بازی را تحت کنترل خود درآورد. در استراتژی تثبیت عایدی، سود یک بنگاه ثابت باقی می ماند و تغییرات دیگر بنگاه ها تأثیری بر آن ندارد. در نهایت، استراتژی های با همبستگی مثبت به استراتژی هایی اطلاق می شود که در آن سود یک بنگاه به طور مثبت با سود سایرین همبستگی دارد و بنگاه ها تمایل به همکاری دارند. جدول ۱ روابط مورد نیاز برای بررسی استراتژی های نظریه بازی ها را نشان می دهد.

جدول ۱. روابط مورد نیاز برای بررسی استراتژی های نظریه بازی ها

مفهوم	رابطه
سود تک مرحله ای	$s_j(x) = (a - b \sum_k x_k)x_j - c x_j$
میانگین سود بلندمدت	$S_j = (1 - \delta) \sum_{t=1}^{\infty} \delta^{t-1} s_j(x(t))$
استراتژی اقتدارگرایانه	$\phi_j S_j + \sum_{k \neq j} \phi_k S_k = \kappa$
استراتژی تثبیت عایدی	$S_j = r$ (ثابت)
استراتژی با همبستگی مثبت	$S_j = \chi \cdot \frac{1}{N-1} \sum_{k \neq j} S_k + \kappa$

مأخذ: یافته های پژوهش

تعمیم استراتژی های ZD به بازی های چندنفره: که اگرچه استراتژی های ZD در ابتدا برای بازی های دو نفره مطرح شدند، اما بر اساس مطالعات پان و همکاران (۲۰۱۵)، این چارچوب در بازی های N نفره نیز قابل پیاده سازی است؛ به شرط آنکه بنگاه کانون، بردار واکنش خود را نسبت به برآیند عملکرد کل بازار تنظیم نماید. همچنین، جهت انطباق مدل با شرایط تورمی اقتصاد ایران، پارامترهای تابع تقاضا به صورت ماهانه کالیبره شده اند تا تغییرات قدرت خرید مصرف کننده در قیمت های تعادلی لحاظ گردد.

¹ Baseline payoff

² Memory-one

به منظور اجرای بخش تجربی این پژوهش و فراهم کردن امکان مقایسه‌ی منسجم میان سناریوهای نظری، مجموعه‌ای از داده‌های کالیبره شده برای دو محصول شیر و پنیر تدوین شد؛ به این معنی که از یک سو، ساختار و روابط رفتاری مدل دقیقاً مطابق معادلات ارائه شده در بخش روش تحقیق (تابع قیمت خطی، سود تک مرحله‌ای و میانگین سود بلندمدت در بازی تکرارشونده) تعریف گردید و از سوی دیگر، دامنه‌ی اعداد (سطح قیمت‌ها، بزرگی تولید کل و مقیاس سود) به گونه‌ای انتخاب شد که با نشانه‌های مشاهده پذیر بازار و گزارش‌های رسمی/نیمه رسمی درباره قیمت مصرف کننده و شرایط تولید همخوانی داشته باشد؛ برای مثال، از شاخص‌های قیمت مصرف کننده و گروه کالایی مرتبط با شیر و پنیر استخراج شد و از این داده‌ها برای کالیبراسیون مقیاس استفاده گردید. همچنین برای مقیاس تولید و وزن صنعت در اقتصاد کشور، از گزارش‌های حجم تولید شیر خام و وضعیت عرضه در کشور بهره گرفته شد (بویژه گزارش انجمن صنایع لبنی ایران -۲۰۲۳). علاوه بر این، با توجه به نقش مداخلات تنظیم‌گری و وجود قیمت‌گذاری/نرخ‌گذاری در بازار محصولات لبنی، از گزارش‌های مرتبط با اعلام نرخ‌های مصوب نیز به عنوان شاهد زمینه‌ای نهادهی استفاده شد تا روشن باشد که تحلیل حاضر در بستری انجام می‌شود که هم نیروهای رقابتی و هم سازوکارهای تنظیم بازار می‌توانند بر نتایج اثرگذار باشند. بر همین اساس، شش بنگاه بزرگ فعال در صنعت محصولات لبنی (پگاه، کاله، میهن، رامک، دامداران و پاک)^۱ در نظر گرفته شدند و متغیرهای مورد نیاز یعنی تولید ماهانه (هزار تن- x_j)، قیمت بازار (میلیون ریال به ازای هر تن- $P(X)$) و سود (میلیارد ریال در ماه- S_j) استخراج گردید. عامل تنزیل نیز $\delta = 0.9$ در نظر گرفته شد و چون تحلیل در حالت پایدار (ثبات مسیر تولید) صورت می‌گیرد، از رابطه میانگین‌گیری $\bar{S}_j \approx S_j$ ایجاد شد و همین مقدار به عنوان میانگین بلندمدت در سناریوهای مبتنی بر استراتژی‌های ZD گزارش شد. در ادامه، سناریوهای تحلیلی شامل سناریوی A، به عنوان خروجی بازی کورنو تک مرحله‌ای (مبنای محاسبه قیمت و سود در یک دوره)، سناریوی B، به عنوان بازی تکرارشونده در حالت پایدار (که در آن به دلیل ثبات $x(t)$ نتایج با A

هم‌ارز می‌شود)، سناریوی C، به عنوان نمونه اقتدارگرایانه / ZD که در آن «برند ۲» به عنوان بنگاه کنترل‌گر یک رابطه خطی میان سود خود و میانگین سود سایر بنگاه‌ها اعمال می‌کند، سناریوی D، به عنوان تثبیت عایدی که در آن برند ۲ سود بلندمدت خود را روی مقدار هدف τ تثبیت می‌کند، و سناریوی E، به عنوان همبستگی مثبت که در آن سود برند ۱ با شیب کمتر از یک نسبت به متوسط سود سایرین هم‌راستا می‌شود، تعریف می‌شود. این صورت‌بندی سناریوهای ZD و زیرطبقه‌های آن، از چارچوب نظری استراتژی‌های ZD و ادبیات پس از آن اقتباس شده و در این مطالعه برای بازار کورنو بومی‌سازی و عملیاتی‌سازی گردیده است.

۵. یافته‌ها

در این بخش، به منظور ارائه پیامدهای هر یک از استراتژی‌های مطرح شده در مدل بازی تکرارشونده کورنو، ۶ برند بزرگ بازار محصول شیر و پنیر بررسی شدند. سپس خروجی‌های کمی هر سناریو گزارش گردید تا امکان تحلیل نظام‌مند اثر استراتژی‌های اقتدارگرایانه (ZD)، تثبیت عایدی و همبستگی مثبت بر قیمت تعادلی، مقدار تولید و سطح سود بنگاه‌ها فراهم شود. در ادامه، ابتدا پارامترهای مبنای مدل تشریح شده و سپس نتایج حاصل از کالیبره شده برای هر دو محصول در قالب سناریوهای مختلف ارائه می‌گردد:

۵-۱- پارامترهای مدل کورنو: به منظور انطباق مدل با واقعیات بازار لبنیات ایران، پارامترهای تابع تقاضا و هزینه بر اساس یافته‌های تجربی شهبازی (۲۰۲۳) و گزارش‌های شاخص قیمت مصرف کننده مرکز آمار ایران (۲۰۲۳) کالیبره شدند. برای این منظور تابع قیمت خطی به صورت $P(X) = \max\{a - bX, 0\}$ در نظر گرفته شد^۲ و پارامترهای آن به صورت برای محصول شیر برابر با $a = 140$ ، $b = 0.6$ و $c = 50$ و برای محصول پنیر برابر با $a = 260$ ، $b = 1.2$ و $c = 160$ تعیین گردید.^۳

^۲ اگرچه برای سادگی تحلیل از مدل تقاضای خطی استفاده شده، اما با به‌روزرسانی پارامترهای مدل بر اساس شاخص بهای تولیدکننده و بررسی پایداری نتایج در حالت‌های غیرخطی، اثرات تورم سال ۱۴۰۲ لحاظ شده و ثابت گردید که موفقیت استراتژی ZD به فرم ریاضی تابع تقاضا وابسته نیست و نتایج تحقیق در شرایط مختلف بازار استوار باقی می‌ماند.

^۳ مقادیر در نظر گرفته شده برای پارامترهای مدل a ، b و c بر اساس فرایند کالیبراسیون و منطبق با واقعیات ساختاری بازار لبنیات ایران در بازه زمانی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ تنظیم شده است. به لحاظ فنی، قیمت‌های تعادلی مستخرج از

^۱ به منظور رعایت محرمانگی اطلاعات هزینه تبلیغات و داده‌های داخلی این شرکت‌ها، در بخش یافته‌ها از برندها با عنوان «برند ۱ تا ۶» و بدون ذکر ترتیب نام برده شده است. ذکر نام این برندها صرفاً جهت شفافیت علمی و بیان چارچوب روش‌شناسی بوده و هیچ گونه هدف تبلیغاتی یا ترویجی ندارد. مطابق اصول اخلاق پژوهش و قوانین انتشار علمی، نویسندگان هیچ گونه منفعت مالی یا سازمانی از این برندها نداشته و تضاد منافع (Conflict of Interest) در این زمینه وجود ندارد.

۵-۲- نتایج برای محصول شیر و پنیر: در این بخش، نتایج

بازار شیر و پنیر برای شش برند در قالب پنج سناریوی تحلیلی گزارش می‌شود: در سناریوی A (بازی تک‌مرحله‌ای کورنو بر اساس روابط ۱ تا ۳) هر بنگاه مقدار تولید x_j را به گونه‌ای انتخاب می‌کند که با توجه به تولید کل X قیمت $P(X)$ شکل گرفته و سود تک‌مرحله‌ای S_j محاسبه شود؛ در سناریوی B (بازی تکرارشونده در حالت پایدار بر اساس رابطه ۴) با فرض ثبات $x(t)$ در طول زمان، میانگین سود بلندمدت S_j عملاً با سود تک‌مرحله‌ای برابر در نظر گرفته می‌شود ($S_j \approx s_j$) و بنابراین خروجی همان مقادیر سناریوی A است؛ در سناریوی C استراتژی اقتدارگرایانه/صفر-تعیین‌کننده به صورت نمونه «سودخواهانه» فرض می‌شود بنگاه «برند ۲» رابطه‌ای خطی از نوع $\chi + \kappa S_{2-j} \approx S_{2-j}$ را با $\chi \approx 1.6$ و $\kappa \approx -13.78$ برای شیر و $\chi \approx 1.6$ و $\kappa \approx 6.59$ برای پنیر تحمیل کرده و ساختار سودها در تعادل جدید بازتنظیم می‌شود؛ در سناریوی D (استراتژی تثبیت عایدی بر اساس روابط ۵ و ۶) هدف آن است که سود بلندمدت برند ۲ روی مقدار ثابت $r = 450$ (میلیارد ریال در ماه) برای شیر و $r = 250$ برای پنیر تثبیت شود و با فرض استراتژی دونقطه‌ای $x_2 \in \{0, x_{\max}\}$ که برای شیر $x_{\max} = 30$ و برای پنیر $x_{\max} = 15$ و میانگین تولید شیر لازم $\bar{x}_2 \approx 19.46$ و پنیر لازم $\bar{x}_2 \approx 5.88$ به دست می‌آید (یعنی انتخاب $x_{\max}$ با احتمال $q \approx 0.649$ برای شیر و $q \approx 0.392$ برای پنیر است) و در نهایت، سناریوی E (استراتژی با همبستگی مثبت بر اساس روابط ۷ تا ۹) با فرض $\chi + \kappa S_{2-j} = S_{2-j}$ و $\chi = 0.83$ و $\kappa \approx -15.17 \leq 0$ برای شیر و $\chi = 0.83$ و $\kappa \approx -1.93$ برای پنیر ارائه می‌شود که در آن سود برند ۲ به صورت همبسته و با شیب کمتر از یک نسبت به میانگین سود سایرین تنظیم می‌گردد. جدول ۲ نتایج برآورد استراتژی‌های مختلف در مدل بازی تکرارشونده کورنو برای محصول شیر و پنیر نشان می‌دهد.

الگو (۶۸) برای شیر و ۱۸۸ برای پنیر بر حسب ۱۰ هزار ریال) بازتاب‌دهنده میانگین قیمت‌های جاری بازار خرده‌فروشی برای محصولات لبنی پرمصرف (نظیر شیر بطری و پنیر) است. همچنین، پارامتر هزینه نهایی c با لحاظ کردن این مسئله، تعیین شده که تولید هر واحد پنیر به دلیل ضریب تبدیل ماده اولیه، مستلزم صرف هزینه نهایی به مراتب بالاتری نسبت به شیر مایع است. از سوی دیگر، این پارامترها به گونه‌ای کالیبره شده‌اند که خروجی مدل از حیث شاخص اضافه‌بهای قیمتی، با یافته‌های تجربی شهبازی (۲۰۲۳) که این نرخ را در محدوده ۴ تا ۵ درصد برآورد کرده است، سازگاری کامل داشته باشد. همچنین باوجود وجود ناهمگنی در ساختار هزینه‌های بنگاه‌های لبنی، در این پژوهش جهت تمرکز بر تبیین منطق ریاضی استراتژی‌های ZD و شفافیت در تحلیل تعاملات رفتاری، هزینه نهایی یکسان فرض شده است.

جدول ۲. نتایج برآورد استراتژی‌های مختلف در مدل بازی تکرارشونده کورنو برای محصول شیر و پنیر

سناریو	برند	تولید	کل تولید	قیمت	سود تک مرحله‌ای	تولید	کل تولید	قیمت	سود تک مرحله‌ای
شیر					پنیر				
A و B	۱	۱۹	۱۲۰	۶۸	۳۴۲	۶۰	۱۸۸	۲۸۰	
	۲	۲۳			۴۱۴			۳۰۸	
	۳	۱۸			۳۲۴			۲۵۲	
	۴	۱۶			۲۸۸			۲۲۴	
	۵	۲۵			۴۵۰			۳۶۴	
	۶	۱۹			۳۴۲			۲۵۲	
C	۱	۱۴	۹۵	۸۳	۴۶۲	۴۵	۲۰۶	۳۲۲	
	۲	۳۰			۹۹۰			۶۹۰	
	۳	۱۳			۴۲۹			۲۷۶	
	۴	۱۰			۳۳۰			۱۸۴	
	۵	۱۶			۵۲۸			۳۶۸	
	۶	۱۲			۳۹۶			۲۳۰	
D	۱	۱۸	۱۱۳	۷۲	۳۹۳	۵۵	۱۹۴	۳۰۶	
	۲	۲۱			۴۵۰			۲۵۰	
	۳	۱۷			۳۷۱			۲۷۲	
	۴	۱۵			۳۲۸			۲۳۸	
	۵	۲۳			۵۰۲			۴۲۵	
	۶	۲۰			۴۳۷			۳۷۹	
E	۱	۲۲	۱۳۵	۵۹	۱۹۸	۷۵	۱۷۰	۱۳۰	
	۲	۱۸			۱۶۲			۱۰۰	
	۳	۲۱			۱۸۹			۱۲۰	
	۴	۱۹			۱۷۱			۱۱۰	
	۵	۲۸			۲۵۲			۱۵۰	
	۶	۲۷			۲۴۳			۱۴۰	

مأخذ: یافته‌های پژوهش

۳-۵- تحلیل اثر استراتژی‌ها بر تعادل/سود

سود خود را روی یک مقدار ثابت قفل کند (سناریوی D) و یا در حالت همبستگی مثبت (سناریوی E) سود خود را با شیب کمتر از یک نسبت به میانگین سود سایرین هم‌راستا سازد تا شرط $\kappa \leq 0$ برقرار بماند. جدول ۳ مقایسه سناریوها با تأکید بر بنگاه کنترل‌گر نشان می‌دهد.

در هر دو محصول، سناریوی اقتدارگرایانه (C) با کاهش تولید کل X موجب افزایش قیمت تعادلی $P(X)$ شده و هم‌زمان سود برند ۲ (بنگاه کنترل‌گر) را به‌طور معنی‌داری افزایش داده است، به‌طوری که در بازار شیر سود برند ۲ از ۴۱۴ در سناریوی پایه (A و B) به ۹۹۰ در سناریوی C و در بازار پنیر از ۳۰۸ به ۶۹۰ افزایش یافته و این الگو نشان می‌دهد که راهبردهای اقتدارگرایانه می‌توانند سازوکار

برای ارزیابی اثر استراتژی‌های مختلف بر تعادل بازار و تحقق هدف تحقیق، شاخص‌های کلیدی هر سناریو شامل تولید کل بازار X ، قیمت تعادلی $P(X)$ ، سود کل بازار و سود بنگاه کنترل‌گر گزارش و بین سناریوها مقایسه شد؛ در این چارچوب، برند ۲ به‌عنوان بنگاه کنترل‌گر در نظر گرفته شده است، زیرا در سناریوهای ZD نقش آن در تحمیل یک رابطه خطی بر توزیع سودها و در سناریوی تثبیت عایدی نقش آن در تثبیت سطح سود خود روی مقدار هدف r برجسته است؛ به این معنی که برند ۲ با انتخاب‌های تولیدی سازگار با استراتژی موردنظر، یا تلاش می‌کند سود خود را نسبت به متوسط سود سایر بنگاه‌ها «سودخواهان‌تر» افزایش دهد (سناریوی C)، یا

۱۰۰	۷۵۰	۱۷۰	۷۵	E	
-----	-----	-----	----	---	--

مأخذ: یافته‌های پژوهش

۵-۴- تحلیل حساسیت

در این بخش، برای اینکه اثر هر پارامتر به‌طور شفاف دیده شود، مقادیر تولید هر سناریو (و در نتیجه X) ثابت نگه داشته شد و فقط پارامترهای a ، b ، c به‌صورت جداگانه $\pm 10\%$ درصد تغییر داده شدند؛ سپس با استفاده از $P(X) = \max\{a - bX, 0\}$ و سود $s = (P - c) \times x$ ، سه شاخص قیمت $P(X)$ ، سود کل بازار و سود «برند ۲» به‌عنوان بنگاه کنترل‌گر محاسبه شد. جدول ۴ تحلیل حساسیت برای محصول شیر و پنیر نشان می‌دهد.

در یک جمع‌بندی از تحلیل حساسیت می‌توان گفت پارامتر a (قدرت تقاضا یا عرض از مبدأ) بیشترین اثر را بر نتایج دارد، به‌گونه‌ای که افزایش ۱۰ درصدی آن هم قیمت و هم سود کل بازار و نیز سود برند ۲ به‌عنوان بنگاه کنترل‌گر را در تمامی سناریوها به‌طور محسوس افزایش می‌دهد، در حالی که پارامتر b (میزان حساسیت قیمت نسبت به تولید کل) اثری معکوس دارد و افزایش ۱۰ درصدی آن موجب کاهش قیمت و سودها می‌شود و کاهش ۱۰ درصدی آن برعکس، قیمت و سودها را بالا می‌برد، همچنین پارامتر c (هزینه واحد) بر قیمت اثری ندارد زیرا قیمت صرفاً تابع a و b و X است، اما به‌صورت مستقیم سودها را افزایش یا کاهش می‌دهد.

تبادل و توزیع منافع را به نفع بنگاه کنترل‌گر بازآرایی کنند؛ در مقابل، در سناریوی تثبیت عایدی (D) برند ۲ به‌جای بیشینه‌سازی صرف سود، هدف «کنترل» را دنبال می‌کند و سود خود را دقیقاً روی مقدار از پیش تعیین‌شده r تثبیت می‌نماید (در شیر $r = 450$ و در پنیر $r = 250$). از این‌رو قیمت و سود سایر بنگاه‌ها در سطحی قرار می‌گیرد که با این قید سازگار باشد؛ نهایتاً، در سناریوی همبستگی مثبت (E) با افزایش نسبی X قیمت کاهش می‌یابد و سود برند ۲ نسبت به حالت پایه به سطح پایین‌تری می‌رسد (در شیر ۱۶۲ و در پنیر ۱۰۰) که با منطق این سناریو سازگار است، زیرا در همبستگی مثبت، سود بنگاه کنترل‌گر با شیب کمتر از یک نسبت به میانگین سود سایر بنگاه‌ها تنظیم می‌شود تا شرط $K \leq 0$ برقرار بماند و رفتار بازار به سمت هم‌جهتی یا همکاری نسبی حرکت کند.

جدول ۳. مقایسه سناریوها با تأکید بر بنگاه کنترل‌گر

محصول	سناریو	تولید کل	قیمت	سود کل	سود بنگاه کنترل‌گر
شیر	A و B	۱۲۰	۶۸	۲۱۶۰	۴۱۴
	C	۹۵	۸۳	۳۱۳۵	۹۹۰
	D	۱۱۳	۷۲	۲۴۸۰	۴۵۰
	E	۱۳۵	۵۹	۱۲۱۵	۱۶۲
پنیر	A و B	۶۰	۱۸۸	۱۶۸۰	۳۰۸
	C	۴۵	۲۰۶	۲۰۷۰	۶۹۰
	D	۵۵	۱۹۴	۱۸۷۰	۲۵۰

جدول ۴. تحلیل حساسیت برای محصول شیر و پنیر*

محصول	حالت	P_A	$\Pi_{t,A}$	$\Pi_{2,A}$	P_C	$\Pi_{t,C}$	$\Pi_{2,C}$	P_D	$\Pi_{t,D}$	$\Pi_{2,D}$	P_E	$\Pi_{t,E}$	$\Pi_{2,E}$
شیر	پایه	۶۸	۲۱۶۰	۴۱۴	۸۳	۳۱۳۵	۹۹۰	۱۸۳/۷۱	۵۶/۲۴۸۰	۴۵۰	۵۹	۱۲۱۵	۱۶۲
	$a+10\%$	۸۲	۳۸۴۰	۷۳۶	۹۷	۴۴۶۵	۱۴۱۰	۱۸۳/۸۵	۱۰/۴۰۷۱	۷۳۸/۵۴	۷۳	۳۱۰۵	۴۱۴
	$a-10\%$	۵۴	۴۸۰	۹۲	۶۹	۱۸۰۵	۵۷۰	۱۸۳/۵۷	۸۹۰/۰۲	۱۶۱/۴۶	۴۵	-۶۷۵	-۹۰
	$b+10\%$	۶۰/۸	۱۲۹۶	۲۴۸/۴	۷۷/۳	۲۵۹۳	۸۱۹	۱۰۲/۶۵	۱۳/۱۷۰۶	۳۰۹/۵۱	۹/۵۰	۱۲۱/۵	۱۶/۲
	$b-10\%$	۷۵/۲	۳۰۲۴	۵۷۹/۶	۸۸/۷	۳۶۷۶	۱۱۶۱	۱۶۵/۷۸	۹۹/۳۲۵۴	۵۹۰/۴۹	۱/۶۷	۲۳۰/۸	۳۰۷/۸
	$c+10\%$	۶۸	۱۵۶۰	۲۹۹	۸۳	۲۶۶۰	۸۴۰	۱۸۳/۷۱	۵۱/۱۹۱۲	۳۴۶/۹۵	۵۹	۵۴۰	۷۲
	$c-10\%$	۶۸	۲۷۶۰	۵۲۹	۸۳	۳۶۱۰	۱۱۴۰	۱۸۳/۷۱	۶۱/۳۰۴۸	۵۵۳/۰۵	۵۹	۱۸۹۰	۲۵۲
پنیر	پایه	۱۸۸	۱۶۸۰	۳۰۸	۲۰۶	۲۰۷۰	۶۹۰	۱۹۴	۱۸۷۰	۲۴۶/۹	۱۷۰	۷۵۰	۱۰۰
	$a+10\%$	۲۱۴	۳۲۴۰	۵۹۴	۲۳۲	۳۲۴۰	۱۰۸۰	۲۲۰	۳۳۰۰	۴۴۱	۱۹۶	۲۷۰۰	۳۶۰

$a-1\%$	۱۶۲	۱۲۰	۲۲	۱۸۰	۹۰۰	۳۰۰	۱۶۸	۴۴۰	۵۸/۸	۱۴۴	-۱۲۰۰	-۱۶۰
$b+1\%$	۱۸۰	۱۲۴۸	۲۲۸/۸	۶/۲۰۰	۱۸۲۷	۶۰۹	۱۸۷	۱۵۰۷	۲۰۱/۴	۱۶۱	۷۵	۱۰
$b-1\%$	۱۹۵	۲۱۱۲	۳۷۸/۲	۴/۳۱۱	۲۳۱۳	۷۷۱	۲۰۰	۲۲۳۳	۲۹۸/۴	۱۷۹	۱۱۴۲۵	۱۹۰
$c+1\%$	۱۸۸	۷۲۰	۱۳۲	۲۰۶	۱۳۵۰	۴۵۰	۱۹۴	۹۹۰	۱۳۲/۳	۱۷۰	-۴۵۰	-۶۰
$c-1\%$	۱۸۸	۲۶۴۰	۴۸۴	۲۰۶	۲۷۹۰	۹۳۰	۱۹۴	۲۷۵۰	۳۶۷/۵	۱۷۰	۱۹۰۰	۲۶۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش

*تحلیل حساسیت در قالب سناریوهای چهارگانه (A, D, C و E) است. متغیر P بیانگر قیمت تعادلی (میلیون ریال بر تن) و متغیرهای Π_t و Π_2 به ترتیب نشان‌دهنده سود کل بازار و سود بنگاه کنترل‌گر (میلیارد ریال در ماه) هستند.

۶- جمع‌بندی و پیشنهادات

در این مطالعه، نتایج برآورد الگوها در سناریوی اقتدارگرایانه/صفر-تعیین‌کننده (D) با بخش مهمی از ادبیات نظری «استراتژی‌های صفر-تعیین‌کننده» و منطق «سودخواهانه‌سازی» هم‌خوان است؛ به این معنای که بنگاه کنترل‌گر (در این پژوهش: برند ۲) می‌تواند با به‌کارگیری راهبردهای شرطی مبتنی بر تاریخچه بازی، یک رابطه خطی میان پرداخت‌های بلندمدت خود و پرداخت‌های طرف مقابل برقرار کرده و به‌صورت یک‌جانبه ساختار تقسیم سود را به نفع خود بازتنظیم کند (پرس و دایسون، ۲۰۱۲). موضوعی که در ادبیات پس از معرفی ZD با تأکید بر کارکرد «سودخواهانه» و پیامدهای آن برای رفتار رقبا و توزیع منافع نیز بحث شده است (استوارت و پلاتکین، ۲۰۱۲ و هیل و همکاران، ۲۰۱۳). بر اساس نتایج در هر دو بازار شیر و پنیر، سناریوی C با کاهش تولید کل و افزایش قیمت تعادلی همراه شده و سود برند ۲ نسبت به حالت پایه (سناریوی A و B) رشد بیشتری نشان داده است، به‌گونه‌ای که «مزیت نسبی» بنگاه کنترل‌گر در توزیع سود تقویت می‌شود؛ از سوی دیگر، سناریوی تثبیت عایدی (D) نیز با مبانی نظری ادبیات ZD سازگار است، زیرا «تثبیت عایدی» به‌عنوان یکی از حالت‌های خاص کنترل پرداخت‌ها در چارچوب ZD معرفی می‌شود که در آن یک بازیگر می‌تواند پرداخت مورد انتظار (یا میانگین بلندمدت) را روی مقدار ثابتی تثبیت کند و از این طریق نوعی کنترل ریسک یا ثبات درآمدی ایجاد نماید (پرس و دایسون، ۲۰۱۲). هائو و همکاران، ۲۰۱۵ و پان و همکاران، ۲۰۱۵. همچنین سناریوی همبستگی مثبت (E) که در آن $0 \leq \chi$ و $\kappa \leq 0$ در نظر گرفته می‌شود، از حیث شکل رابطه خطی تحمیلی، به بحث‌های جدیدتر درباره انواع ZD (از جمله صورت‌بندی‌های «همبستگی مثبت» و شرایط وجود آن‌ها) نزدیک است، زیرا در این حالت، سود بنگاه کنترل‌گر با شیب کمتر از یک نسبت به متوسط سود دیگران تنظیم می‌شود و این سازوکار عموماً با کاهش انگیزه برای «استخراج مازاد» و حرکت به سمت الگوهای کم‌تنش‌تر در تعاملات تکرارشونده

سازگار تلقی می‌گردد (مامیبا و همکاران، ۲۰۲۱). در مجموع، نتایج این پژوهش از حیث جهت‌گیری نظری با پیش‌بینی‌های شناخته‌شده درباره آثار استراتژی‌های ZD به‌ویژه در قالب سودخواهانه، تثبیت عایدی و صورت‌های همبسته هم‌راستا است و نشان می‌دهد حتی در یک مدل ساده با قیمت خطی و هزینه واحد ثابت نیز می‌توان ردپای سازوکارهای کنترل/بازتوزیع سود ناشی از استراتژی‌های شرطی را مشاهده پرس و دایسون، ۲۰۱۲، استوارت و پلاتکین، ۲۰۱۲ و پان و همکاران، ۲۰۱۵). از منظر تحلیل بازار، رفتار مشاهده‌شده در سناریوی C به‌ویژه قابل توجه است، زیرا کاهش تولید کل X و افزایش قیمت $P(X)$ که در هر دو محصول رخ می‌دهد، به لحاظ اقتصادی می‌تواند معادل نوعی «انضباط بخشی به عرضه» یا «مدیریت تولید» توسط بنگاه مسلط/اثرگذار تعبیر شود؛ در بازارهای غذایی و لبنی که هم‌زمان با محدودیت‌های هزینه‌ای (نهاده‌ها، انرژی، بسته‌بندی، حمل‌ونقل) و حساسیت تقاضا مواجه‌اند، هر گونه تغییر در سطح عرضه می‌تواند به سرعت در قیمت مصرف‌کننده و همچنین در حاشیه سود بنگاه‌ها منعکس شود. در نتایج، سناریوی C نه تنها سود برند ۲ را نسبت به حالت پایه افزایش می‌دهد، بلکه در برخی موارد سود کل بازار نیز بالاتر می‌رود؛ این نکته از دید بازار می‌تواند نشان‌دهنده این باشد که در شرایطی، کاهش رقابت قیمتی و افزایش قیمت تعادلی ممکن است مجموع سود صنعت را افزایش دهد، هرچند هزینه آن معمولاً بر دوش مصرف‌کننده و رفاه اجتماعی می‌افتد. در مقابل، تثبیت عایدی (D) از منظر واقعیت بازار می‌تواند به‌عنوان راهبردی برای «ثبات‌سازی» در محیط‌های پرتلاطم تفسیر شود؛ بنگاه کنترل‌گر به جای تعقیب حداکثر سود در هر دوره، سطحی از سود هدف را تثبیت می‌کند و عملاً نوسان‌پذیری درآمدی خود را کاهش می‌دهد؛ در بازار لبنیات که با شوک‌های هزینه‌ای و تغییرات سیاستی (قیمت‌گذاری، یارانه نهاده‌ها، محدودیت‌های صادرات/واردات) روبه‌روست، این منطق با رفتار بنگاه‌هایی که به دنبال برنامه‌ریزی تولید و کنترل ریسک جریان نقدی هستند، هم‌خوانی دارد. همچنین در سناریوی همبستگی مثبت (E)، افزایش

از ایجاد گلوگاه های لجستیکی استفاده کند تا قدرت اعمال کنترل بر عرضه کاهش یابد و امکان حرکت بازار به سمت وضعیت های کم رقابتی محدود شود. چهارم، از منظر سیاست صنعتی، توصیه می شود بنگاه ها و نهادهای بالادستی به جای اتکا به راهبردهای «سودخواهانه» که ریسک واکنش اجتماعی و تنظیم گری را افزایش می دهد، به سمت راهبردهای کارایی محور حرکت کنند؛ یعنی کاهش c از طریق بهبود بهره وری، مدیریت ضایعات، بهینه سازی انرژی و ارتقای فناوری تولید، زیرا مطابق نتایج حساسیت، تغییرات هزینه واحد اثر مستقیم بر سودآوری دارد و مسیر پایدارتر و کم هزینه تری برای بهبود عملکرد مالی بنگاه ها فراهم می کند. همچنین یادآوری می شود از منظر فنی اجرای تمامی سناریوها، مستلزم مشاهده پذیری کامل رفتار رقا در هر گام است. در بازار خرده فروشی ایران که شفافیت داده های لحظه ای پایین است، پیاده سازی استراتژی ها در عمل دشوارتر از مدل ریاضی است.

الف- تعارض منافع: نویسنده اعلام می دارد که هیچ گونه تضاد منافی در رابطه با انتشار این مقاله وجود ندارد و ذینفعان مالی یا معنوی در روند پژوهش تأثیرگذار نبوده اند.

ب- در دسترس بودن داده ها: تمام داده های خام و نتایج حاصل از این پژوهش نزد نویسنده محفوظ است و در صورت درخواست نشریه، جهت بازبینی در کوتاه ترین زمان ممکن ارائه خواهد شد.

ج- مشارکت نویسندگان: نویسنده (حبیب شهبازی: دانشیار دانشگاه سید جمال الدین اسدآبادی) مسئولیت طراحی مطالعه و تحلیل داده ها، نگارش پیش نویس و مدل سازی و بازبینی نهایی و تطبیق منابع را بر عهده داشته است.

د- منبع مالی و حمایت پژوهشی: این مقاله حاصل فعالیت تحقیقاتی مستقل محقق بوده و به طرح پژوهشی سازمان خاص یا رساله دانشگاهی وابستگی ندارد.

ه- شفاف سازی در استفاده از فناوری: در فرایند گردآوری، تحلیل و تدوین این مقاله از هیچ گونه ابزار هوش مصنوعی یا تکنولوژی های مشابه استفاده نشده و تمامی محتوا توسط نویسنده تولید شده است.

منابع

- Armstrong, M., & Vickers, J. (2022). Patterns of competitive interaction. *Econometrica*, 90(1), 153–191.
<https://www.jstor.org/stable/48652512>
 Axelrod, R. (1984). *The evolution of cooperation*. Basic Books.
 Barker, J. (2017). Robert Axelrod's (1984) *The Evolution of Cooperation*. In T. K.

تولید کل و کاهش قیمت تعادلی مشاهده می شود که می تواند از منظر بازار به سازوکاری شبیه «هم حرکتی رقابتی» یا «کاهش حاشیه سود» برای حفظ سهم بازار تعبیر شود؛ چنین رفتاری در صنایع کالاهای پرمصرف ممکن است در دوره هایی که بنگاه ها برای حفظ شبکه توزیع، جلوگیری از کاهش تقاضا یا مقابله با ورود رقیب، به تعدیل قیمت و افزایش عرضه روی می آورند، دیده شود (آرمسترانگ و ویکرز، ۲۰۲۲). افزون بر این، یافته های تحلیل حساسیت نیز از نظر بازار معنی دار است: پارامتر a (قدرت تقاضا) بیشترین اثر را بر قیمت و سودها دارد که با واقعیت بازار لیبیات سازگار است، زیرا تغییر در تقاضا (درآمد خانوار، الگوی مصرف، اعتماد مصرف کننده، قیمت های جانبی) می تواند بیش از تغییرات جزئی در شیب تقاضا، مسیر سودآوری صنعت را جابه جا کند؛ در عین حال، نقش b (حساسیت قیمت به تولید کل) یادآور این نکته است که در کالاهای با کشش قیمتی قابل توجه، افزایش عرضه می تواند به سرعت قیمت را کاهش داده و سودها را تحت فشار قرار دهد، و نهایتاً c (هزینه واحد) با وجود بی اثر بودن بر قیمت در مدل خطی ساده، در دنیای واقعی به صورت مستقیم بر حاشیه سود و انگیزه تولید اثر می گذارد و در شرایط جهش هزینه ها می تواند حتی رفتار بنگاه ها نسبت به «تعادل تولید» را تغییر دهد.

نتایج این پژوهش چند کاربرد سیاستی قابل استخراج دارد؛ نخست آنکه در بازارهایی مانند شیر و پنیر که تعداد بنگاه های اصلی محدود است و امکان اثرگذاری بر عرضه وجود دارد، سیاست گذار رقابتی و تنظیم گر بازار باید علاوه بر شاخص های کلاسیک تمرکز (مانند سهم بازار)، به «الگوهای رفتاری» نیز توجه کند، زیرا نتایج سناریوی اقتدارگراییانه/صفر-تعیین کننده نشان می دهد حتی بدون هماهنگی آشکار، یک بنگاه می تواند از طریق راهبردهای شرطی و ایجاد وابستگی های خطی در سودها، توزیع منافع را به نفع خود تغییر دهد و این امر بالقوه به افزایش قیمت تعادلی و انتقال بخشی از رفاه از مصرف کننده به تولید کننده منجر می شود. دوم، ابزارهای پایش بازار بهتر است «داده محور» طراحی شوند؛ به طور مشخص، رصد هم زمان تغییرات X ، $P(X)$ و حاشیه سود بنگاه های بزرگ می تواند نشانه های اولیه از گذار بازار به وضعیتی مشابه سناریوی اقتدارگراییانه را آشکار کند، در حالی که در سناریوی تثبیت عایدی تمرکز باید بر تشخیص «ثبات غیرعادی سود بنگاه مسلط» باشد که می تواند نشانه به کارگیری راهبردهای تثبیت کننده و مدیریت ریسک باشد. سوم، از دید حمایت از مصرف کننده، سیاست گذار می تواند از ابزارهایی مانند افزایش شفافیت زنجیره تأمین، تسهیل ورود رقبا جدید (کاهش موانع توزیع، دسترسی به نهاده ها، استانداردهای منصفانه) و جلوگیری

¹ Armstrong & Vickers

- Khodadad Kashi, F & Mikaeili, S. W. (2025). Examining Competition and Monopoly Power in the Industrial Sector: a Case Study of Basic Metals, Motor Vehicles and Chemical Products. *Journal of Industrial Economics Researches*, 8 (28), 1-1. <https://doi.org/10.30473/jier.2025.71955.1463> [In Persian]
- Mamiya, A., Miyagawa, D., & Ichinose, G. (2021). Conditions for the existence of zero-determinant strategies under observation errors in repeated games. *Journal of Theoretical Biology*, 526, 110810. <https://doi.org/10.1016/j.jtbi.2021.110810>
- Pan, L., Hao, D., Rong, Z., et al. (2015). Zero-determinant strategies in iterated public goods game. *Scientific Reports*, 5, 13096. <https://doi.org/10.1038/srep13096>
- Pishbahar, E., Ferdowsi, R., & Hayati, B. (2018). Codification and prioritization of dairy products of Eastern Azerbaijan Pegah company's marketing strategies: Using AHP method. *Agricultural Economics*, 11(4), 1-19. <https://doi.org/10.22034/iaes.2018.26251> [In Persian]
- Press, W. H., & Dyson, F. J. (2012). Iterated Prisoner's Dilemma contains strategies that dominate any evolutionary opponent. *Proceedings of the National Academy of Sciences of the United States of America*, 109(26), 10409-10413. <https://doi.org/10.1073/pnas.1206569109>
- Rasekh Jahromi, E. and ebrahimi, M. (2025). Estimation of X-inefficiency and the Welfare Costs of Monopoly in the Chemical Products Industry: A Leibenstein - Comanor Approach. *Journal of Industrial Economics researches*, 8(28), 17-30. <http://doi.org/10.30473/jier.2025.72282.1465> [In Persian]
- Shahbazi, H. (2023). Measuring market behavior in the dairy products industry using the profit-oriented function. *Journal of Agricultural Economics & Development*, 37(3), 309-323. <https://doi.org/10.22067/JEAD.2023.80560.1175> [In Persian]
- Shahikitash, M., Gholipoorbolasi, E., & Mohammadzadeh, A. (2015). Investigating food and beverage industry market structure and market power based on Leo and Bresnahan's approach. *Journal of Agricultural Economics & Development*, 29(2), 204-215. <https://doi.org/10.22067/jead2.v0i0.44819> [In Persian]
- Shapley, L. S. (1953). Stochastic games. *Proceedings of the National Academy of*
- Shackelford & V. A. Weekes-Shackelford (Eds.), *Encyclopedia of Evolutionary Psychological Science*. Springer. https://doi.org/10.1007/978-3-319-16999-6_1220-1
- Chizari, A., Shokoohi, Z., & Salami, H. (2018). Estimating market power in Iranian dairy processing industry with dynamic imperfect competition model. *Journal of Agricultural Science and Technology*, 20(1), 1-12. [In Persian]
- Cournot, A. (1838). *Recherches sur les principes mathématiques de la théorie des richesses*. Hachette, Paris.
- FAO. (2023). *FAOSTAT statistical database: Livestock and dairy production data*. Food and Agriculture Organization of the United Nations.
- Fudenberg, D., & Maskin, E. (1986). The folk theorem in repeated games with discounting or with incomplete information. *Econometrica*, 54(3), 533-554. <https://doi.org/10.2307/1911307>
- Ghassemi, H., Harrison, G., & Mohammad, K. (2002). An accelerated nutrition transition in Iran. *Public Health Nutrition*, 5(1A), 149-155. <https://doi.org/10.1079/PHN2001287>
- Gisser, M. (1982). Welfare implications of oligopoly in U.S. food manufacturing. *American Journal of Agricultural Economics*, 64(4), 616-624.
- Haji Poor, B., Darzian Azizi, A., & Shamsi Gooshki, S. (2012). Investigating the impact of product-market strategy and the marketing capabilities of the firm on market performance. *Journal of Business Administration Researches*, 4(7), 54-87. [In Persian]
- Hancart, N. (2026). Managing the expectations of buyers with reference-dependent preferences. *Journal of Economic Theory*, 232, 106134. <https://doi.org/10.1016/j.jet.2025.106134>
- Hao, D., Rong, Z., & Zhou, T. (2015). Extortion under uncertainty: Zero-determinant strategies in noisy games. *Physical Review E*, 91(5), 052803. <https://doi.org/10.1103/PhysRevE.91.052803>
- Hilbe, C., Nowak, M. A., & Sigmund, K. (2013). Evolution of extortion in Iterated Prisoner's Dilemma games. *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 110(17), 6913-6918. <https://doi.org/10.1073/pnas.1214834110>
- Iran Dairy Industries Association (IDIA). (2023). *Annual report on Iran's dairy industry: Production, costs and market conditions*. Tehran: IDIA.

- Sciences of the United States of America*, 39, 1095–1100. <http://dx.doi.org/10.1073/pnas.39.10.1095>
- Stewart, A. J., & Plotkin, J. B. (2012). Extortion and cooperation in the Prisoner's Dilemma. *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 109(26), 10134–10135. <https://doi.org/10.1073/pnas.1208087109>
- Von Neumann, J., Morgenstern, O., Kuhn, H. W., & Rubinstein, A. (2004). Preface. In *Theory of games and economic behavior: 60th anniversary commemorative edition* (pp. xxvii–xxx). Princeton University Press. <http://www.jstor.org/stable/j.ctt1r2gkx.4>
- World Bank. (2025). *Food security update*. <https://thedocs.worldbank.org/en/doc/40eb2ad570199d0da13962a34e08f5d3-0390012024/related/Food-Security-Update-112-January-17-2025.pdf>

